

دوتا ۳۵۳	بررسی کتاب مقدس / ۶۷
	رومیان ۱۱
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس، دو معلم، رومیان ۱: ۱ - ۳۶ را مورد بررسی قرار خواهند داد.

رومیان ۹ چنین تعلیم می‌داد که نقشه خدا هیچگاه این نبود که تک تک افراد قوم اسرائیل نجات یابند، بلکه نقشه خدا همواره این بوده است که تک تک کسانی را که خود برگزیده و فراخوانده است، نجات بخشد. در رومیان فصل ۱۰ دیدیم که چرا اسرائیل بعنوان یک ملت قاصر و ناکام ماند: یهودیان سعی کردند از طریق بجا آوردن اعمال شریعت نجات پیدا کنند، و نه از طریق ایمان به عیسی مسیح که همان مسیحای موعودی بود که منتظرش بودند. رومیان فصل ۱۱ چنین تعلیم می‌دهد که نقشه خدا برای قوم اسرائیل و اقوام غیریهود قطعاً تحقق خواهد یافت و به انجام خواهد رسید، و تمام اسرائیل و تمام غیریهودیان قطعاً نجات خواهند یافت.

(S) قدم اول. بخوانید

با هم رومیان فصل ۱۱ را بخوانیم. اگر دو نفر یا بیشتر هستید، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به‌خاطر کمبود وقت، لطفاً رومیان فصل ۱۱ را بعداً بخوانید.

(T) قدم دوم. کشف کنید

بیباید برخی از حقایق مهم را در رومیان ۱: ۱۱ - ۳۶ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می‌کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشت‌تان بنویسید. پس از چند دقیقه، به نوبت، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) در رومیان ۱: ۱۱ - ۲۴ حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

ارتباط بین قوم اسرائیل و غیریهودیان در زمینه نجات:

اول. "رومیان ۱: ۱۱ - ۱۰ به توصیف وضعیت کنونی قوم اسرائیل می‌پردازد."

وضعیت کنونی قوم اسرائیل از این قرار است که این قوم، گردنکش و نامطیع هستند. این امر باعث شده بود که برخی از غیریهودیان در دوران عهدجدید چنین نتیجه‌گیری کنند که خدا قوم اسرائیل را طرد کرده است و از این پس امتها یا غیریهودیان جای قوم اسرائیل را خواهند گرفت. اما پولس در آیات ۱ - ۴ چنین تعلیم می‌دهد که خدا هیچگاه قوم خاص خود یعنی اسرائیل را طرد نکرده است. گواه آن نیز این واقعیت است که در تاریخ گذشته اسرائیل، خدا همیشه کسانی را بعنوان "باقیمانده" قوم برای خود باقی گذاشته است که در برابر بتها سر فرود نیاورده‌اند. خدا در تاریخ کنونی اسرائیل، یعنی در زمان پولس نیز از بین یهودیان کسانی را محض فیض برگزیده تا بعنوان "باقیمانده" قوم، از آن او باشند. خود پولس رسول نیز یک یهودی بود. بااینحال، این نکته نیز درست است که تمام طول تاریخ قوم اسرائیل، یهودیان دل خود را نسبت به خدا و پیام او سخت ساخته‌اند، و در نتیجه خدا نیز دل آنان را سخت نمود. یهودیان در دوران موسی (تثنیه ۲۹: ۲ - ۴)، در زمان اشعیا (اشعیا ۶: ۹ - ۱۰)، و در روزگار پولس هنگامی که آنان عیسی مسیح و عدالت او را رد کردند (رومیان ۹: ۱۸)، دل‌های خود را سخت نمودند.

دوم. "رومیان ۱: ۱۱ - ۱۵ به توصیف ارتباط کنونی بین قوم اسرائیل و غیریهودیان می‌پردازد."

در آیه ۱۱ می‌خوانیم: "لغزش قوم اسرائیل سقوطی نبود که قادر نباشند از آن التیام یابند." این بدان معنا نیست که قوم اسرائیل تنها "بطور موقتی" سقوط کردند و مدتی بعد دوباره بر خواهند خاست، بلکه بدین معناست که سقوط قوم اسرائیل، بطور "نسبی" بود و نه بطور کامل. پولس در آیات قبلی در مورد برگزیدگی "باقیمانده" قوم اسرائیل و سخت‌دلی مابقی یهودیان صحبت کرده بود؛ به عبارت دیگر، صحبت در اینجا بر سر "طرشدگی نسبی" است، و نه "طرشدگی موقتی". در آیات بعدی نیز در مورد پیوند شدن ایمانداران یهودی به ریشه درخت زیتون صحبت می‌شود، و بنابراین سخن بر سر "پذیرش نسبی" قوم اسرائیل است، و نه در مورد "طرشدگی کامل" این قوم. سقوط اسرائیل نه "موقتی"، بلکه "نسبی" بود. و این سقوط نسبی نیز به هیچ وجه سرنوشت محتوم و برگشت‌ناپذیر کل قوم اسرائیل نبود.

در آیات ۱۲ و ۱۵، گناه و طرشدگی اسرائیل در تقابل با پذیرش و تکمیل این قوم قرار می‌گیرد. در اینجا نیز با توجه به آیات قبل و بعد، روشن است که پولس صرفاً در مورد "واقعه‌ای که در آینده در آخر زمان رخ خواهد داد" صحبت نمی‌کند، بلکه در مورد وقایعی صحبت می‌کند که در زمان حال اتفاق می‌افتد - یعنی "از زمان خود پولس تا زمان آخر" که طی آن عدد نجات‌یافتگان، هم از بین غیریهودیان و هم از قوم اسرائیل، کامل خواهد شد. پولس در تمام مدت خدمت خود می‌کوشد غیرت یهودیان را برانگیزد، از این طریق باعث نجات برخی از آنها شود (۱۳؛ اول قرنتیان ۹: ۱۹ - ۲۲). کتاب مقدس می‌گوید که در سراسر تاریخ، هرگاه که یهودیان در بی‌ایمانی خود سرسختی نمی‌ورزند، در نجات به روی آنها باز است (آیه ۲۳). پولس در آیات ۳۰ و ۳۱ صحبت خود را خلاصه می‌کند و می‌گوید که یهودیان در حال حاضر در نتیجه رحمتی که خدا به غیریهودیان نشان داده است، بتدریج آنان نیز نجات و رحمت خدا را دریافت می‌دارند. "نقشه عالی و شگفت‌انگیز خدا این است که غیریهودیان جز از طریق یهودیان نجات نمی‌یابند، و یهودیان نیز جز بواسطه غیریهودیان از نجات برخوردار نمی‌گردند." سرسختی و ناطاعتی نسبی یهودیان بارها و بارها باعث شده است که پیام انجیل در بین غیریهودیان موعظه شود - چنانکه

اعمال رسولان ۱۳: ۴۴ - ۴۸، ۱۸: ۶، و ۲۸: ۲۳ - ۲۸ گواه آن است. اما در چهارچوب نقشه عالی و شگفت‌انگیز خدا، نجات غیریهودیان نیز، هم در گذشته و هم در حال حاضر، همواره باعث شده است که یهودیان نیز به غیرت آیند و در نتیجه نجات پیدا کنند (آیه ۳۱). نجات روزافزون یهودیان، در آیه ۱۲ به صورت "دولتمندی امته" توصیف شده است؛ به عبارت دیگر، توبه یهودیان باعث شد که تعداد بسیار بیشتری از غیریهودیان نجات یابند. آیه ۱۵ می‌گوید که "طرد شدن" یهودیان در اوایل دوران عهدجدید، باعث شد که بسیاری از غیریهودیان با خدا مصالحه یابند. "پذیرفته شدن" یهودیان در جمع خانواده خدا و ایمان آوردن آنها به مسیح، براساسی مانند این است که "مردگان به زندگی بازگشته باشند" - یعنی به مثابه رستاخیزی روحانی برای یهودیان است (لوقا ۱۵: ۳۲؛ افسسیان ۲: ۱ - ۱۰). خدا از توبه یهودیان و غیریهودیان استفاده می‌کند تا سرانجام عدد نجات‌یافتگان، هم از بین یهودیان (آیه ۱۲) و هم از بین غیریهودیان (آیه ۲۵)، کامل گردد.

سوم. "رومیان ۱۱: ۱۶ - ۲۴، در مورد قدرت خدای متعال مبنی بر تحقق بخشیدن به نقشه نجاتی که مدنظر دارد صحبت می‌کند."

روی سخن پولس در این آیات بویژه با مسیحیان غیریهودی است، تا مبادا آنان در مورد نقشه‌ای که خدا برای نجات یهودیان دارد دچار سوءتفاهم شوند. خدا با پاتریارخها، یعنی با پدران قوم اسرائیل نظیر ابراهیم، اسحق و یعقوب عهد بسته است که "او خدای آنان خواهد بود" و "آنان و نسلشان تا به ابد قوم او خواهند بود." سرسختی نسبی قوم اسرائیل، عهدی را که خدا با این قوم بست باطل نمی‌کند. "شاخه‌های بریده" و "ریشه" به پدران قوم اسرائیل اشاره دارد (آیه ۲۸). "درخت" و "شاخه‌ها" نیز به ایمانداران یهودی و غیریهودی اشاره دارد. در عهدعتیق، "درخت زیتون" نمایانگر قوم اسرائیل یعنی قوم عهد و پیمان خداست (۲۴؛ ارمیا ۱۱: ۱۶ - ۱۷). اما این بدان معنا نیست که تک تک یهودیان جزو قوم خدا هستند و نجات خواهند یافت. تمام اسرائیلیانی که ایمان نمی‌آورند و اطاعت نمی‌کنند، از قوم عهد خدا بریده خواهند شد و هیچگاه نجات نخواهند یافت. اما تمام یهودیانی که در بی‌ایمانی و ناطاعتی خود لجاجت نورزند، قطعاً تا به ابد نجات خواهند یافت. این "شدت عمل" و "مهربانی" خدا نسبت به قوم اسرائیل، قطعاً در مورد غیریهودیان نیز مصداق خواهد داشت. "شاخه‌های درخت زیتون وحشی" نمایانگر ایمانداران غیریهودی است. غیریهودیان محض ایمان به قوم عهد خدا پیوند زده می‌شوند، اما اگر در مهر و محبت خدا گام برندارند، آنان نیز از قوم عهد خدا بریده خواهند شد. بنابراین، کلیسای دوران عهدجدید جایگزین اسرائیل نمی‌شود، بلکه در واقع این اسرائیل حقیقی دوران عهدعتیق است که حال تداوم و گسترش یافته، بیشمار ایمانداران غیریهودی دوران عهدجدید را نیز شامل می‌شود. پاتریارخها، نظیر ابراهیم و اسحق و یعقوب، هنوز هم همان ریشه‌های هستند که درخت قوم عهد خدا را مستحکم نگاه می‌دارد.

(T) در رومیان ۱۱: ۲۵ - ۳۲ در رابطه با "و نجات اسرائیل" حقیقت مهمی برای من وجود دارد. رومیان ۱۱: ۲۵ - ۳۲، رابطه بین "کامل شدن عدد غیریهودیان" و "تمام قوم اسرائیل" را توضیح می‌دهد. "سری" که در اینجا از آن صحبت می‌شود اکنون دیگر یک راز نیست، بلکه عبارت است از مکاشفه یا آشکار شدن نقشه نجات خدا. خدا آنچه را که انبیای دوران عهدعتیق از آن بی‌خبر بودند، بر رسولان مکتشف ساخت؛ یعنی این واقعیت را که نقشه آتی نجات خدا، بواسطه موعظه پیام انجیل هم ایمانداران از بین امته یا اقوام غیریهود را شامل خواهد شد و هم ایمانداران قوم اسرائیل را. مسیحیان یهودی و غیریهودی، بر روی هم "قوم خدا" را تشکیل خواهند داد (یعنی همان "اسرائیل واقعی خدا" در غلاطیان ۶: ۱۶ که کلیسای دوران عهدعتیق و عهدجدید است؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹ - ۱۰). یهودیان و غیریهودیان "به‌اتفاق" وعده‌هایی را که خدا در دوران عهدعتیق و عهدجدید داد، به ارث خواهند برد (دوم قرنتیان ۱: ۲۰). در رومیان ۱۱: ۲۵ - ۲۶، پولس بطور خاص بر این نکته تأکید می‌ورزد که "سری" که در اینجا از آن صحبت می‌شود همانا عبارت است از این واقعیت که "اسرائیل حقیقی"، یعنی "تمام قوم اسرائیل" یا "کاملیت تعداد قوم اسرائیل"، باید صبر کند تا نخست عدد غیریهودیان ایماندار یا همان "تمام امته" کامل شود، و تنها آنوقت است که خواهد توانست بار دیگر بعنوان بخشی از "قوم یکپارچه خدا" ظاهر شود. قوم اسرائیل در ابتدای دوران عهدجدید دچار چنددستگی بود و ظاهراً از سوی خدا طرد شده بود. تصویری که در آغاز دوران عهدجدید از اسرائیل در دست داریم، تصویری غیرقابل تشخیص و موقتی است. اما این تصویر در پایان دوران عهدجدید بار دیگر کامل خواهد شد. "تکمیل تعداد قوم اسرائیل" پس از آنکه عدد غیریهودیان ایماندار کامل شد یا به اصطلاح "تمامیت امته" میسر گردید، بار دیگر نمایان خواهد شد. عدد کامل یهودیان و عدد کامل غیریهودیان، که هر دو توسط خدا برگزیده و فراخوانده می‌شوند، دقیقاً در یک زمان، یعنی بهنگام بازگشت عیسی مسیح مشخص خواهد شد.

(S) قدم سوم. سؤال کنید

بیباید تمام حقایق موجود در رومیان ۱۱: ۱ - ۳۶ را درک کنیم و سؤالات خود را در باره نکاتی که هنوز درک نکرده‌ایم، مطرح سازیم. "چه سؤالی در مورد هر نکته‌ای از این بخش مایلید از گروه بپرسید؟" فکر کنید و سؤال خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. سپس راجع به سؤالات گفتگو کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیابید.

سؤال اول. (۱۱: ۲۶) "معنی عبارت "تمام قوم اسرائیل" چیست؟"

(T) اول. ارتباط بین آیات ۲۵ و ۲۶. "نجات تمام قوم اسرائیل" نه خود سیر، بلکه "پیامد" این سیر است. این سیر آشکار می‌سازد که از طریق ارتباط متقابل بین طردشدگی نسبی قوم اسرائیل و نجات یافتن بسیاری از غیریهودیان است که نجات "تمام غیریهودیان" و "تمام یهودیان"، یا به عبارت دیگر نجات "تمام قوم اسرائیل حقیقی"، به انجام می‌رسد.

دوم. "اصطلاح" تمام قوم اسرائیل را نمی‌توان در مفهوم "تمام یهودیان اسرائیلی در خلال قرون متمادی" تعبیر کرد. زیرا "قوم اسرائیل" در آنصورت به نظریه نجات همگانی تمام یهودیانی که تابحال بر روی این زمین زندگی کرده‌اند اشاره خواهد داشت. و حال آنکه در سراسر عهدعتیق و عهدجدید، بارها می‌بینیم که خدا یهودیانی را که ایمان نمی‌آورند و نامطیع هستند مورد داوری قرار می‌دهد و به جهنم می‌فرستد (دانیال ۱۲: ۱؛ ۲؛ متی ۸: ۱۲). در رومیان ۹: ۲۷، پولس آشکارا نظریه نجات همگانی یهودیان را نفی می‌کند.

سوم. "اصطلاح" تمام قوم اسرائیل را نمی‌توان صرفاً در مفهوم "تمام اسرائیلیانی که در روزهای آخر زندگی می‌کنند" تعبیر کرد. زیرا در آن صورت میلیونها میلیون یهودی که پیش از ایام آخر زندگی کرده‌اند، جزو "اسرائیل" نخواهند بود.

چهارم. "منظور از اصطلاح" تمام قوم اسرائیل، "کشور و ملت اسرائیل در مفهوم نژادی نیست." پولس آنگاه که در رومیان ۹: ۶ می‌گوید: "همه کسانی که از اسرائیل‌اند، اسرائیلی نیستند"، در واقع هرگونه مفهوم ملی‌گرایانه از "اسرائیل" را مردود می‌شمرد. هیچ کس هرگز بر این اساس که در چه کشور و با چه ملیتی بدنیا آمده است، نجات نمی‌یابد (رومیان ۲: ۲۸ - ۲۹).

پنجم. "اصطلاح" تمام قوم اسرائیل به "تمام اسرائیلیانی که در سراسر دوران عهدعتیق و عهدجدید توسط خدا انتخاب و برگزیده شده‌اند" اشاره دارد. این اصطلاح به تمام یهودیانی که "باقیمانده" قوم اسرائیل‌اند، در تمام طول اعصار، اشاره دارد. بعنوان مثال، "بقیه اندک" در دوران اشعیا، (اشعیا ۱: ۹؛ ۲: ۴ و نیز "بازماندگان قوم" در دوران پولس (رومیان ۱۱: ۵) را شامل می‌شود. پولس به این موضوع که تعداد این یهودیان باقیمانده چقدر عظیم است اشاره‌ای نمی‌کند، اما در مکاشفه ۷: ۹ می‌خوانیم که "تعداد ایشان چنان زیاد بود که امکان شمارش وجود نداشت". بنابراین تعداد این اسرائیلیان قطعاً بسیار زیاد است. سؤال دوم. (۱۱: ۲۶) "چه هنگام تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت؟"

(S) **اول.** در آیات ۲۵ - ۲۶، پولس می‌گوید که اسرائیل دچار سخت‌دلی نسبی می‌شود "تا زمانی" که عدد غیریهودیان یا امتها کامل گردد. در متن یونانی گفته نمی‌شود که: "پس از آن، تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت." پولس هیچگاه بطور تلویحی چنین نمی‌گوید که در آینده، پس از آنکه شمار کامل غیریهودیان ایماندار وارد پادشاهی خدا شدند، "دوران انتقالی" خواهد بود که طی آن اسرائیل نیز توبه خواهد کرد. در هیچ جای کتابمقدس به "دورانی انتقالی" مابین ورود ایمانداران غیریهودی به پادشاهی خدا و زمان پایان قطعی کار دنیا اشاره نشده است (متی ۱۳: ۳۷ - ۴۳؛ ۲۴: ۲۱ - ۳۱؛ ۲۵: ۳۱ - ۴۳؛ دوم پطرس ۳: ۷ - ۱۳؛ مکاشفه ۲۰: ۱۱ - ۱۵). بلکه پولس در این مورد صحبت می‌کند که چگونه یهودیان "هم‌اکنون در زمان حاضر" و نیز در سراسر دوران عهدجدید تا هنگام بازگشت مسیح، در حال نجات یافتن هستند. او می‌گوید: "و از این راه تمام یهودیان نجات خواهند یافت." پولس می‌گوید که "از طریق" ارتباط متقابل بین طردشدگی نسبی قوم اسرائیل و نجات یافتن غیریهودیان است که خدا نه تنها نجات "تمام غیریهودیان"، بلکه همچنین نجات "تمام یهودیان" را به انجام می‌رساند. "زمان" کامل شدن عدد نجات‌یافتگان قوم اسرائیل، "مصادف با" زمان کامل شدن عدد نجات‌یافتگان از بین اقوام غیریهود خواهد بود. نه قبل و نه بعد از آن.

دوم. در آیات ۱۱ - ۱۲، پولس در مورد توبه اسرائیل در زمانهای آخر صحبت نمی‌کند، بلکه درباره "توبه اسرائیل در تمام طول تاریخ" سخن می‌گوید. اسرائیل "هم‌اکنون و در تاریخ کنونی ما" باید به غیرت آورده شود، و این دقیقاً همان کاری بود که پولس از طریق خدماتش انجام داد (۳۰ - ۳۱). بنابراین، "تمام قوم اسرائیل" در زمان آخر عبارت خواهد بود از تمام کسانی که در خلال قرون متمادی از طریق موعظه انجیل گردآوری شده‌اند.

سوم. در آیه ۲۳، پولس نبوت نمی‌کند که "تمام یهودیان متعلق به قوم اسرائیل در خلال قرون متمادی" یا "تمام قوم کنونی اسرائیل" تا هنگام زمان آخر همچنان لجوجانه در بی‌ایمانی خود باقی خواهند ماند. بلکه موضوع صحبت پولس، اصلی است که در سراسر تاریخ، هم برای یهودیان و هم برای غیریهودیان مصداق دارد. و آن اصل این است که مردم تنها پس از شنیدن موعظه انجیل است که می‌توانند محض ایمان نجات یابند. پولس در اینجا نیز مانند رومیان ۱۰: ۱۴ - ۱۷، برای توبه و نجات اسرائیل هیچ راه دیگری سراغ ندارد مگر از طریق شنیدن موعظه پیام انجیل در چهارچوب تاریخ کنونی، و لیبیک گفتن آنها به شرط خدا مبنی بر داشتن ایمان شخصی به او. تاریخ نجات از هنگام آمدن مسیح تا هنگام بازگشت او، برای یهودیان و غیریهودیان "به موازات هم" قرار دارد. راه نجات برای یهودیان همان است که برای غیریهودیان (۱۰: ۱۲ - ۱۳). عهد خدا با اسرائیل، غیریهودیان را نیز شامل می‌شود (پیدایش ۱۲: ۳) و ایجاب می‌کند که هم یهودیان به خدا ایمان داشته باشند و هم غیریهودیان (۱: ۱۶؛ ۱۱: ۲۳). یهودیان و غیریهودیان بی‌ایمان در هر عصر و دوره‌ای از نجات محروم خواهند بود (۲: ۹؛ متی ۸: ۱۱ - ۱۲؛ ۲۱: ۴۲ - ۴۴). یهودیان و غیریهودیان ایماندار در تمام قرون و اعصار، "یک بدن" را تشکیل می‌دهند که درخت زیتون سمبول آن است (۱۱: ۱۷ - ۲۴). بهنگام بازگشت مسیح، فرصت برای نجات هر دو گروه پایان خواهد یافت (متی ۲۵: ۱۰ - ۱۳). نجات "نسبی" یهودیان و غیریهودیان در خلال قرون متمادی تا هنگام بازگشت مسیح ادامه خواهد یافت، و در آن هنگام عدد نجات‌یافتگان غیریهودی و نجات‌یافتگان یهودی بطور هم‌زمان کامل خواهد شد.

سؤال سوم. (۱۱: ۲۶ - ۲۷) "پیشگویی‌هایی که در آیات ۲۶ - ۲۷ در مورد نجات اسرائیل شده است به چه زمانی اشاره دارد؟"

(T) توجه انبیای عهدعتیق به این مسئله معطوف بود که عیسی مسیح به هنگام آمدن به این جهان چه خواهد کرد، و نه اینکه او در بازگشت چه خواهد نمود. هدف عیسی مسیح از آمدن به این جهان این نبود که مردم را از این یا آن دشمن برهاند، بلکه او آمده بود تا انسان را از گناه و دوری از خدا رهایی بخشد. او بهنگام بازگشت نه "از صهیون"، بلکه "از آسمان" خواهد آمد (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶) و در آن هنگام دیگر "آمرزش گناهان" میسر نخواهد بود. پولس در رساله به رومیان از موضوع

اصلی خود که همان عادل‌شمردگی تنها محض ایمان است منحرف نمی‌شود. فصلهای ۹ تا ۱۱ رومیان نشان می‌دهند که آموزه عادل‌شمردگی تنها محض ایمان، امری "تاریخی" است و ریشه در تاریخ دارد. در این فصلها می‌بینیم که چطور یهودیان در سراسر دوران عهدعتیق محض ایمان عادل شمرده می‌شدند (۴: ۱ - ۸؛ ۹: ۲۵ تا ۱۰: ۱۶ - ۱۸)، و در دوران رسولان نیز محض همین ایمان عادل محسوب می‌گشتند (۱۰: ۹ - ۱۵). این امر، یعنی عادل شمرده شدن تنها محض ایمان، در تمامی قرون تا هنگام بازگشت مسیح، یگانه راه نجات خواهد ماند (۱۱: ۲۳ و ۲۶ - ۲۷).
سؤال چهارم. (۱۱: ۲۸) "اسرائیل به چه مفهوم نخست دشمن بود و بعد محبوب شد؟"

(S) با توجه به زمینه آیه ۲۸ (یعنی آیات ۳۰ و ۳۱)، مشخص است که پولس در اینجا نه در مورد "ملت اسرائیل" در مفهوم نژادی، بلکه در مورد "تمام قوم اسرائیل که اکنون اسرائیل حقیقی را تشکیل می‌دهند" صحبت می‌کند. "دشمنان" و "محبوبان" هر دو به یک قوم واحد اشاره دارند. یهودیان همانطور که به‌دفعات در طول تاریخ اتفاق افتاده است، نخست با مسیح و انجیل دشمن بودند و از این رو "دشمن" مسیحیان به شمار می‌رفتند. اما هنگامی که از ضدیت با خدا دست برداشته، به مسیح ایمان می‌آوردند، نشان می‌دهند که "محبوب" نیز هستند. آنگاه وعده خدا به پدران قوم اسرائیل، در مورد آنان نیز مصداق خواهد یافت (پیدایش ۲۲: ۱۷ - ۱۸).
سؤال پنجم. (۱۱: ۲۹) "نعمت و دعوت خدا به چه مفهوم برگشت‌ناپذیر است؟"

(T) آیه ۲۹ نمی‌تواند به محبت خدا نسبت به ملت اسرائیل در مفهوم نژادی اشاره داشته باشد - محبتی که نخست دل‌های سخت شده تمام یهودیان در سراسر طول تاریخ را دوست می‌دارد و تحمل می‌کند، و سپس در زمان آخر همگی آنان را نجات می‌دهد. برگزیدگی ملت اسرائیل در دوران عهدعتیق بدین معنا بود که خدا برای آنان "امتیازاتی خاص" قائل شده بود، نه اینکه آنها را برای "نجات" برگزیده باشد. دعوت باطنی خدا مبنی بر نجات، امری برگشت‌ناپذیر است، زیرا بر انتخاب و برگزیدگی ازلی او مبتنی است (۸: ۲۸ - ۳۰). این دعوت هیچگاه تغییر نمی‌یابد و پس گرفته نمی‌شود. به همین ترتیب، عطایا و نعماتی نیز که خدا در دوران عهدعتیق به ملت اسرائیل ارزانی داشت، امتیازاتی موقتی بود (۹: ۴ - ۵). بنابراین منظور از نعمت برگشت‌ناپذیر، فیض خاص خدا یعنی عطایایی چون ایمان، امید، محبت، آرامش و سلامتی که فوق از درک است، حیات جاودان، و غیره می‌باشد. از این رو، نعمت و دعوت برگشت‌ناپذیر خدا تنها به "آن عده که از بین قوم اسرائیل برگزیده شده‌اند" مربوط می‌شود، و نه به تمامی مردم اسرائیل. آیات ۳۰ و ۳۱ که از توبه و ایمان آوردن برگزیدگان یهودی و غیریهودی در طول تاریخ سخن می‌گوید، در واقع بر همین واقعیت مٌهر تأیید می‌زند.
سؤال ششم. (۱۱: ۳۲) "خدا به چه مفهوم بر همگان رحم می‌کند؟"

(S) آیه ۳۲ می‌گوید: "زیرا خدا ایشان را در گناه به حال خود رها کرده، تا بتواند بر همه یکسان رحم کند." این آیه با لغت "زیرا" آغاز می‌شود، و مطلبی را که در رومیان ۱۱: ۲۵ - ۳۲ آمده است خلاصه می‌کند. این قسمت به تمام کسانی اشاره دارد که "تمامیت امتهای" را تشکیل می‌دهند، و نیز به تمام کسانی که "تمام قوم اسرائیل" یا به عبارتی "تمامیت اسرائیل" را تشکیل می‌دهند. درست همانطور که لغت "همه" در رومیان ۵: ۱۸ را باید با توجه به متن آن تفسیر کرد که همانا رومیان ۵: ۱۷ است، لغت "همه" در رومیان ۱۱: ۳۲ نیز باید با توجه به متن آن که همانا رومیان ۱۱: ۲۵ - ۳۲ است تفسیر شود. پولس در مورد تمام یهودیان و غیریهودیان در طول تاریخ بشر صحبت نمی‌کند، بلکه صرفاً در مورد تمام برگزیدگان از بین غیریهودیان (پُری امتهای) و یهودیان (تمام قوم اسرائیل) سخن می‌گوید. تمام این یهودیان و غیریهودیان بنا به ذات خود، در زندان ناطاعتی اسیر بودند. آنان تا پیش از توبه، همگی گناهکار (۳: ۱۰ و ۲۳) و محکوم (۵: ۱۸) بودند. اما پس از آنکه به انجیل ایمان آوردند، خدا بواسطه فیض پرمهر خود بر همگی آنان رحم کرده، آنان را محض ایمان عادل می‌شمرد (۱: ۱۶ - ۱۷؛ ۳: ۲۴؛ ۵: ۱۷ - ۱۸).

بعلت کمبود وقت، از قدمهای چهارم و پنجم، قسمت کاربرد و دعا صرف‌نظر می‌کنیم.

(T) تکلیف برای هفته آینده

- اول. در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش "پنج قدم" بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۱۲، آماده کنید.
- دوم. کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم
- سوم. هر شب تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.